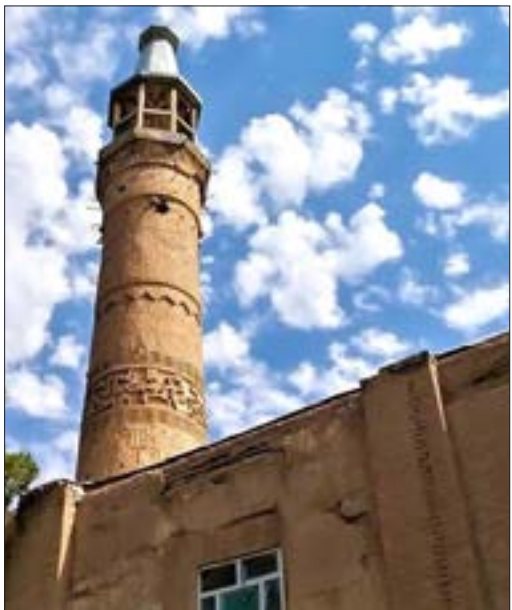




منارجنیان خراسان

درباره کهن‌ترین مسجد سبزوار و روزگار از سر گذشته‌اش



هادی‌دقیق«منار در اصل به معنای جای نور یا جای بلندی است که بر آن چراغ افروزند.» این جمله را لغت‌نامه‌ها در توصیف واژه منار آورده‌اند. گویا وجه‌تسمیه واژه از آنجاست‌که در گذشته برای اینکه مسافران بین راه مسیرشان را پیداکنند، آتشی بر بالای بنایی بلند و باریک روشن می‌کرده‌اند. این واژه به‌ویژه در سرزمین‌های عرب که به‌دلیل سختی سفر زیر آفتاب، پیمودن مسیر را به شب موکول می‌کردند، بیشتر به کار می‌رفته است. در دوره اسلامی و هنگام گسترش مسجدسازی نیز منار و حتی نام گلدسته به معماری مساجد اضافه شد و جدا از کاربرد راهنمایی‌کردن مسافران، محلی شد برای اذان‌گفتن. در کل می‌شود گفت که منار به بخشی جدایی‌ناپذیر از مساجد تبدیل شده است.

در کل منارها در قرن پنجم قمری به بعد نقش تزئینی به خود گرفتند و در برخی موارد از حالت منفرد به حالت زوج درآمدند. در دوران تیموری منارهایی با ارتفاع زیاد ساخته و در دوران صفوی بدنه منارها با تزیینات بی‌شماری آراسته شدند. از دوران زندیه و افشاریه منارهای اندکی باقی مانده است. در دوره قاجار نیز از ارتفاع منارها کم شد. با این تفصیل، اوج تکامل معماری منارها را می‌توان مقارن با دوران سلجوقیان در ایران دانست.

روی هم‌رفته در معماری ایرانی اسلامی بسیاری از مسجدها به «پامنار» مشهور شده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌شود به مساجدی در شهرهای کرمان، سمنان، قم، تهران، کاشان، سبزوار و... اشاره کرد. یکی از این مساجد معروف به پامنار که در سبزوار قرار دارد، بیست‌وسوم فروردین ۱۳۴۶ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است. مسجد پامنار سبزوار با سرگذشت پرفراز و فرودش، چند ویژگی دارد که در میان مساجد خراسان نام‌آور شده است.

- سرگذشت مسجد پامنار

پامنار قدیمی‌ترین مسجد شهر سبزوار است که در ضلع جنوبی خیابان بیهق، بخش بیهق ۲۵ این شهر واقع شده‌است. شهرت این بنا به پامنار به‌دلیل وجود مناره‌ای آراسته به تزیینات و کتیبه‌ای مغلی مجاور ایوان آن است. کاروان‌سرای قدیمی به‌نام اولیا نیز در سمت غربی مسجد پامنار قرار دارد که مربوط به دوره قاجار است. پس از آن یک کوچه و چند بنای دیگری است و درنهایت، در فاصله‌ای اندک از مسجد پامنار، مسجد جامع سبزوار قرار دارد که یکی از بناهای بازمانده از دوره سربه‌داران است. بنا به نوشته متون، مسجد پامنار در سال ۳۱۷ قمری به‌همت امیر ابوالفضل زیاری تجدیدبنا شده و سال ۴۲۰ قمری نیز خواجه امیرک دبیر عباسی آن مناره‌ای ساخته که آن منار در زلزله سال ۴۴۴ قمری فرو ریخته و منار کنونی یک‌سال پس از آن ساخته شده است. بنای امروزی مسجد شامل شبستان ستون‌دار و صحن ضلع جنوبی است که به این قسمت الحاق شده است. قدمت این بنا مربوط به قرون اولیه اسلامی است و تا دوره صفویه و حتی معاصر، در آن ساخت‌وساز شده است. با وجود این، در فهرست آثار ملی مسجد پامنار از بناهای دوره صفویه نامیده شده است.

به روایت «تاریخ بیهقی»، مسجد پامنار که در روزگار حمزه‌بن‌آذرک خارجی ویران شده بود، سال ۲۶۶ قمری در زمان خلافت معتمد عباسی بازسازی شد و سال‌ها مسجد آدینه بیهق نیز بود. همچنین به نقل از این کتاب آمده‌است که پادشاه بلغار در سال ۴۱۵ قمری برای هزینه‌های آن اموالی از بلغار به بیهق فرستاده بود. این مسجد تا زمان تأسیس مسجد جامع سبزوار در سال ۶۳۲ قمری، همچنان مسجد جامع شهر بوده است. اعتمادالسلطنه قاجاری نیز مسجد پامنار را دارای مناری به ارتفاع پانزده متر می‌داند که مثل منارجنیان اصفهان، جنبان است و بر فراز آن کتیبه‌ای به خط کوفی وجود دارد. در نیمه اول سده گذشته نیز به‌همت سیدیحیی نظام‌زاده، فرزند نظام‌العلمای سبزواری عارف و شاعرو از مشروطه‌خواهان دوره قاجار، تعمیراتی در آن انجام و قرائت‌خانه و کتابخانه‌ای نیز در آن ساخته شده است.

- منارجنیان سبزوار

لیاف خانیک، باستان‌شناس خراسانی، در گفت‌وگو با ایسنا «مسجد پامنار» را ازجمله مساجدی دانسته است که در صحنه پرالتهاپ تاریخ سبزوار شاهد رویدادهای مختلف و گاه خونین بوده است، او مسجد پامنار را مربوط به آغاز نیمه دوم قرن اول قمری می‌داند که ازجمله مساجد شیستانی‌واز نوع «خراسانی» بوده‌وبه شیوه «رازی» مانند مساجد فهرج یزد، تاریخانه دامغان و جامع اصفهان ساخته شده بود. در این نوع مساجد یک فضای ستون‌دار شبستان مانند در سمت قبله، یک صحن وسیع در شمال شرق و رواق‌هایی در دو سوی شرق و غرب، مسجد را شکل می‌دادند. لیاف خانیکی مناره‌ای را که سال ۴۴۵ قمری در این مسجد ساخته شده است، از نوع منارهای جنبان مانند منارجنیان اصفهان و نمادی از فناوری و بهره‌گیری از علم فیزیک در حدود هزار سال پیش می‌داند. ارتفاع منار کهن مسجد یا همان منارجنیان آن‌که تقریباً تنها بازمانده کهن مسجد است، پانزده متر است و در شمال غربی مسجد قرار گرفته است. بر بدنه این منار با کتیبه‌ای آجری نوشته شده است: «بسم... الرحمن الرحیم محمد علی فاطمه حسن حسین» سبزوار تاریخی تودرتورا از سر گذرانده است و در این بین، مسجد جامعش نیز در طول حیاتش تغییر و تحولات فراوان یافته است. گویا آخرین تغییرات مسجد پامنار مربوط به سال ۱۳۷۲ خورشیدی است و شامل کاشیکاری سردر و نمای پایه‌های ایوان ورودی مسجد بوده است. در این تغییرات بر دو طرف ورودی مسجد بخشی از سوره «هل اتی» هم روی کاشی نقش بسته است. با همه این‌ها، گرچه از مسجد جامع قدیم و پامنار کنونی سبزوار به جز منار آجری جنبان آن چیزی نمانده و بقیه بنا مربوط به دوره‌های متأخر است، فضاهای گوناگون آن برای نمایش هنر دست معماران دوره‌های مختلف کافی است.



شنبه
۲۵ فروردین ۱۴۰۳
۴ ربهان ۱۴۴۵
شماره ۳۲۱۱

۱۵



- سرگذشت مسجد پامنار

پامنار قدیمی‌ترین مسجد شهر سبزوار است که در ضلع جنوبی خیابان بیهق، بخش بیهق ۲۵ این شهر واقع شده‌است. شهرت این بنا به پامنار به‌دلیل وجود مناره‌ای آراسته به تزیینات و کتیبه‌ای مغلی مجاور ایوان آن است. کاروان‌سرای قدیمی به‌نام اولیا نیز در سمت غربی مسجد پامنار قرار دارد که مربوط به دوره قاجار است. پس از آن یک کوچه و چند بنای دیگری است و درنهایت، در فاصله‌ای اندک از مسجد پامنار، مسجد جامع سبزوار قرار دارد که یکی از بناهای بازمانده از دوره سربه‌داران است. بنا به نوشته متون، مسجد پامنار در سال ۳۱۷ قمری به‌همت امیر ابوالفضل زیاری تجدیدبنا شده و سال ۴۲۰ قمری نیز خواجه امیرک دبیر عباسی آن مناره‌ای ساخته که آن منار در زلزله سال ۴۴۴ قمری فرو ریخته و منار کنونی یک‌سال پس از آن ساخته شده است. بنای امروزی مسجد شامل شبستان ستون‌دار و صحن ضلع جنوبی است که به این قسمت الحاق شده است. قدمت این بنا مربوط به قرون اولیه اسلامی است و تا دوره صفویه و حتی معاصر، در آن ساخت‌وساز شده است. با وجود این، در فهرست آثار ملی مسجد پامنار از بناهای دوره صفویه نامیده شده است.

به روایت «تاریخ بیهقی»، مسجد پامنار که در روزگار حمزه‌بن‌آذرک خارجی ویران شده بود، سال ۲۶۶ قمری در زمان خلافت معتمد عباسی بازسازی شد و سال‌ها مسجد آدینه بیهق نیز بود. همچنین به نقل از این کتاب آمده‌است که پادشاه بلغار در سال ۴۱۵ قمری برای هزینه‌های آن اموالی از بلغار به بیهق فرستاده بود. این مسجد تا زمان تأسیس مسجد جامع سبزوار در سال ۶۳۲ قمری، همچنان مسجد جامع شهر بوده است. اعتمادالسلطنه قاجاری نیز مسجد پامنار را دارای مناری به ارتفاع پانزده متر می‌داند که مثل منارجنیان اصفهان، جنبان است و بر فراز آن کتیبه‌ای به خط کوفی وجود دارد. در نیمه اول سده گذشته نیز به‌همت سیدیحیی نظام‌زاده، فرزند نظام‌العلمای سبزواری عارف و شاعرو از مشروطه‌خواهان دوره قاجار، تعمیراتی در آن انجام و قرائت‌خانه و کتابخانه‌ای نیز در آن ساخته شده است.

- منارجنیان سبزوار

لیاف خانیک، باستان‌شناس خراسانی، در گفت‌وگو با ایسنا «مسجد پامنار» را ازجمله مساجدی دانسته است که در صحنه پرالتهاپ تاریخ سبزوار شاهد رویدادهای مختلف و گاه خونین بوده است، او مسجد پامنار را مربوط به آغاز نیمه دوم قرن اول قمری می‌داند که ازجمله مساجد شیستانی‌واز نوع «خراسانی» بوده‌وبه شیوه «رازی» مانند مساجد فهرج یزد، تاریخانه دامغان و جامع اصفهان ساخته شده بود. در این نوع مساجد یک فضای ستون‌دار شبستان مانند در سمت قبله، یک صحن وسیع در شمال شرق و رواق‌هایی در دو سوی شرق و غرب، مسجد را شکل می‌دادند. لیاف خانیکی مناره‌ای را که سال ۴۴۵ قمری در این مسجد ساخته شده است، از نوع منارهای جنبان مانند منارجنیان اصفهان و نمادی از فناوری و بهره‌گیری از علم فیزیک در حدود هزار سال پیش می‌داند. ارتفاع منار کهن مسجد یا همان منارجنیان آن‌که تقریباً تنها بازمانده کهن مسجد است، پانزده متر است و در شمال غربی مسجد قرار گرفته است. بر بدنه این منار با کتیبه‌ای آجری نوشته شده است: «بسم... الرحمن الرحیم محمد علی فاطمه حسن حسین» سبزوار تاریخی تودرتورا از سر گذرانده است و در این بین، مسجد جامعش نیز در طول حیاتش تغییر و تحولات فراوان یافته است. گویا آخرین تغییرات مسجد پامنار مربوط به سال ۱۳۷۲ خورشیدی است و شامل کاشیکاری سردر و نمای پایه‌های ایوان ورودی مسجد بوده است. در این تغییرات بر دو طرف ورودی مسجد بخشی از سوره «هل اتی» هم روی کاشی نقش بسته است. با همه این‌ها، گرچه از مسجد جامع قدیم و پامنار کنونی سبزوار به جز منار آجری جنبان آن چیزی نمانده و بقیه بنا مربوط به دوره‌های متأخر است، فضاهای گوناگون آن برای نمایش هنر دست معماران دوره‌های مختلف کافی است.

نکته:

نام محله

نکاح در نقشه

سال‌های ۱۳۲۰

و سال ۱۳۳۳ مشهد

«نکا، نوشته

شده است.

روایت‌هایی مستند و ناشنیده از محله‌ای قدیمی و فراموش‌شده در مشهد قدیم

گل‌گشتی در باغات مصفای «نکاح»



به «رثوف» تغییر داده شد. نکاح به‌عنوان منطقه‌ای اصیل، با پیشینه‌ای بسیار طولانی، رد و نشانی گسترده در اسناد و متون تاریخی شهر مشهد، به‌ویژه در قسمت موقوفه‌ها دارد. با توجه به اینکه تاکنون نگاه به سرگذشت تاریخی نکاح بیشتر جنبه بررسی پیشینه سده اخیر آن و به‌خصوص بررسی سرگذشت هفتاد سال اخیر را داشته، در این نوشتار که محتوای آن متکی به اسناد و منابع تاریخی است، قصد داریم گزارشی دقیق‌تر از پیشینه این مزرعه فراموش‌شده را در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ مشهد بگذارم. به امید آنکه مورد توجه و پسند قرار گیرد و در احیای هویت تاریخی مشهد برای نسل امروز نقش مؤثری ایفا کند.

نخستین ساکنان

در کتابچه «میان‌ولایت» که در دوره ناصرالدین شاه قاجار نوشته و در آن نام و مشخصات مزارع و حوزه‌های جمعیتی اطراف مشهد ثبت شده نیز درباره مزرعه یا قریه نکاح چنین آمده است: «مزرعه نکاح در اطراف شهر مشهد قدیم‌النسق است. ۱۰ خانوار از ترک و کرد و تاجیک رعیت دارد. زراعت این مزرعه از قنات مشروب می‌شود، هوایش معتدل است. نوکر دیوان ندارد.» جمعیت نکاح در دوره ناصری جمعیتی محدود و متشکل از بافت نژادی کاملاً متنوعی بود. این افراد زارعانی بودند که به خدمت مالکان زمین درمی‌آمدند و درعوض کار روی اراضی، فرصت داشتن سرپناه در قلعه مزرعه و نیز دریافت موابج و آذوقه لازم برای خود و خانواده‌شان را پیدا می‌کردند. به همین دلیل نباید این تنوع نژادی را برخاسته از نوعی تفاهم و هم‌زیستی بدانیم، زیرا در تعیین افرادی که باید ساکن قلعه می‌شدند، متولیان موقوفه یا مالکان اراضی نقش اساسی داشتند و هم آن‌ها به حضور و سکونت افراد در قلعه خاتمه می‌دادند.

درباره نام و عنوان ساکنان و مالکان نخستین و حتی قدیمی مزرعه نیز اطلاعات گسترده‌ای نداریم. به‌جز نام میرزاابراهیم رضوی که درباره موقوفه بزرگ وی سخن گفتیم و طبق گزارش مهدی سیدی در «جغرافیای تاریخی شهر مشهد» و سعیتی بیش از هفتاد هکتار از اراضی نکاح را شامل می‌شد، باید دوباره به نام «آمنه‌خانم بنت میرزامحمد شهیر به جواهری» اشاره کنیم که گویا بوستان و قرائت‌خانه «جواهری» (واقع در انتهای خیابان شهیدکریمی ۱۵ که بخشی از مزرعه نکاح قدیم نیز محسوب می‌شود) به اسم پدر وی نام‌گذاری شده است.

علاوه بر این دو نام، باید از «کربلایی سیدجعفر حجار» نام ببریم که طبق سند ۲۰۴۲۲۸ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، طی دوره قاجار صاحب باغی در مزرعه نکاح بوده است. مطابق سند ۵۷۵۷۲۰ این مجموعه (تنظیم‌شده در سال ۱۲۷۶قمری (۱۲۲۸ خورشیدی)، یکی دیگر از مالکان قدیمی مزرعه نکاح که در این مکان باغی داشته، میرزامحمدحسین رضوی بوده‌است. در پای حضور سادات رضوی در مزرعه نکاح فقط مربوط به سده‌های پیشین نیست. در سال ۱۳۴۳ خورشیدی مرحوم عبدا... رضوی (۱۳۶۶–۱۲۷۵ خورشیدی)، فرزند میرزای ناظر، بخشی از اراضی مزرعه نکاح را وقف امور شخصی و معنوی مورد علاقه خود کرد که امروزه تبعات خیر فراوانی دارد.

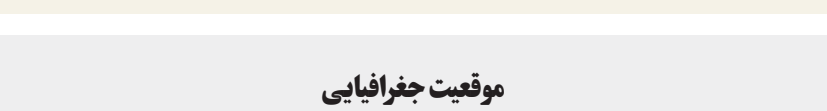


وضعیت اقتصادی

اراضی مزرعه نکاح یکی از اراضی حاصل خیز اطراف شهر مشهد بود. این ویژگی اولا به خاک مناسب و ثانیاً به آب فراوانی مربوط می‌شد که در قالب رشته‌قنات، زمین‌های مزرعه را مشروب می‌کرد. حجم آب خروجی قنات نکاح چنان زیاد بود که تغییر در اندازه آن باعث تغییر فعالیت در طاحونه‌های (آسیاب‌های) منطقه بالاخیابان و بیرون از دروازه آن می‌شد. به همین دلیل، هر اقدامی برای استفاده خارج از حق مالکان مزرعه برای تأمین آب مورد نیازشان با واکنش‌های جدی و گاه شدید در پایین‌دست روبه‌رو می‌شد. در این زمینه، سه سند قابل اعتنا در مجموعه اسناد آستان‌قدس رضوی نگهداری می‌شود. در سند مربوط به دوره قاجار است؛ سند اول (با شماره ۲۴۲۲۸) توصیه‌نامه‌ای است که از یکی از مسئولان آستان قدس می‌خواهد درباره برداشت اضافه‌آب توسط کربلایی سیدجعفر حجار (از مالکان مزرعه نکاح) که قصد آبیاری بهتر باغش را دارد، سخت‌گیری نکند و سند دوم (به شماره ۱۰۴۷۵۲) که در سال ۱۳۳۵ قمری (۱۲۹۶ خورشیدی) تنظیم شده، شکایت صنف خیاز (نانوایان) مشهد از ملک‌التجار شهر بابت جلوگیری از رسیدن آب قنات مزرعه نکاح و چند قنات دیگر به طاحونه‌های شهر است که باعث ازکارافتادن آسیاب‌ها شده بود. سند دوم مربوط به دوران قحطی بزرگ و وضعیت بغرنج حاکم بر این دوره است که از نظر مطالعات تاریخی دهه ۱۲۹۰ خورشیدی اهمیت فراوانی دارد. اما سند سوم (به شماره ۶۶۵۶۷) که مربوط به دوره پهلوی اول و سال ۱۳۰۸ خورشیدی است، شکایتی درباره احداث چاه غیرمجاز قنات در اراضی قریه‌نکاح و درخواست از محمدولی اسدی، نایب‌التولیه وقت، برای برگردن این چاه و جلوگیری از اقدامات مشابه است.

موضوع مرمت و تقویت قنات مزرعه نکاح در دهه‌های بعد هم محل توجه متولیان موقوفات بود. در سال ۱۳۱۸ خورشیدی، در زمان متولیگری شخصی به نام قائم‌مقامی بر اراضی موقوفه سادات رضوی در نکاح، شرکت فلاحی خراسان که در آن سال‌ها مسئول اجرای عملیات عمرانی در حوزه کشاورزی شهر مشهد و به‌ویژه در اراضی متعلق به آستان قدس رضوی بود، با ساخت یک حلقه چاه برای قنات نکاح به تقویت آن پرداخت (سند شماره ۱۲۹۰۵۲).

در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ و بحرانی‌شدن وضعیت اقتصادی مردم به‌دلیل اشغال کشور، اوضاع در مزرعه نکاح نیز ناپسامان شد. مسئولان وقت کوشیدند تا با تغییر الگوی کشت به خشخاش و شبدر، درآمد مزرعه را افزایش دهند (سند شماره ۱۱۱۷۶۸–سال ۱۳۲۵ خورشیدی). اما گویا این اقدام کارساز نشد و کشاورزان ساکن مزرعه نکاح، مانند کشاورزان ساکن دیگر مزارع این منطقه همچون سمرقند، دائم از مسئولان موقوفه تقاضای «تقاول» (مساعده) داشتند تا بتوانند حداقل‌های زندگی خود را تأمین کنند (سند شماره ۶۷۶۱۳).

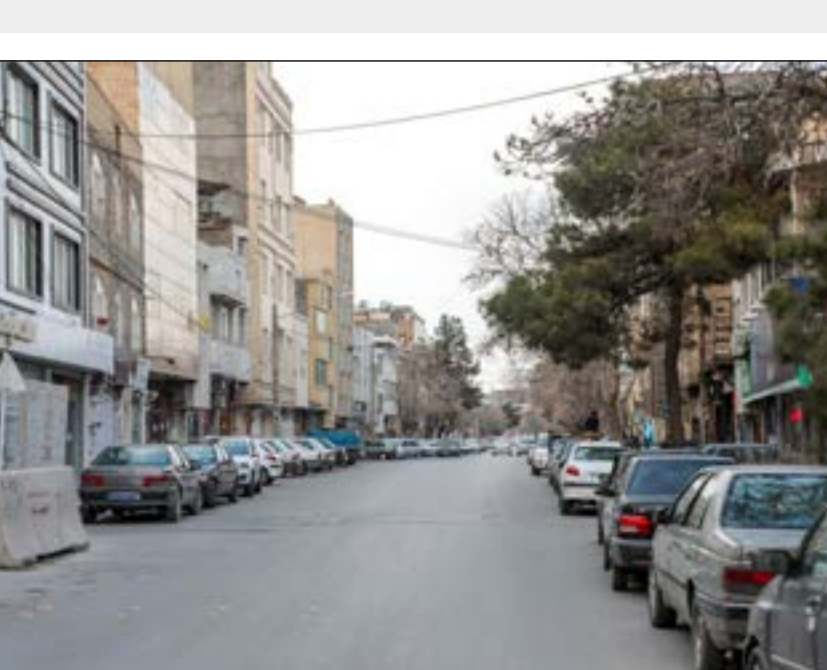


درباره مکان و موقعیت جغرافیایی مزرعه نکاح تردیدهای کمی داریم. قدیمی‌ترین سند دردسترس این منطقه، وقف‌نامه میرزاابراهیم رضوی (درگذشته به سال ۱۰۴۲ قمری و بانی موقوفات عظیم سادات رضوی در مشهد) است که در سال ۱۰۲۸ قمری (۱۰۰۷ خورشیدی) و واپسین ماه‌های زندگانی شاه‌عباس یکم صفوی تنظیم شده است.

در متن این سند که میرزامحمدباقر رضوی آن را در متن کتاب «شجره طیبه» آورده و به تفصیل درباره فراز و فرودهای وضعیت موقوفه پس از فوت واقف سخن گفته، موقعیت جغرافیایی مزرعه نکاح چنین ذکر شده است: «مزرعه نکاح در بلوک مشهد مقدس محدود غرباً به طول بابا و سرده و شمالاً به مزرعه خایقان و شرقاً به مزرعه سمرقند و جنوباً به مزرعه علی‌آباد.»

از مزرعه نکاح در برخی متون وقفی مانند وقف‌نامه «آمنه‌خانم بنت میرزامحمد شهیر به جواهری» که در اواخر دوره قاجار به رشته تحریر درآمده است نیز با عنوان «صحرای نکاح» یاد شده است. با این حال، شواهدی داریم که دست‌کم در دوره صفویه نام نکاح به یکی از باغ‌های داخل محدوده قدیم شهر مشهد نیز اطلاق می‌شد که از آن در وقف‌نامه میرزاابراهیم رضوی با عنوان «باغ نکاح درون شهر» یاد شده است. اینکه باغ نکاح درون شهر کجای مشهد قرار داشت، معلوم نیست، اما با توجه به وضعیت محله بالاخیابان و باغ‌های متعدد آن و نیز قراردادن این محله در غرب مشهد (که تقریباً هم‌مسیر با راه منتهی به مزرعه نکاح بود) می‌توان حدس زد که احتمالاً محل «باغ نکاح داخل شهر» جایی در محله بالاخیابان مشهد یا حوالی این محله بوده است. احمد ماهوان در کتاب «تاریخ مشهدالرضا» می‌نویسد که این محدوده در سال ۱۳۲۵ خورشیدی به بخشی از بافت مسکونی شهری تبدیل شد. ما از سند آقای ماهوان برای تأیید یا رد این ادعا اطلاعی نداریم، اما به نظر می‌رسد با توجه به موقعیت مزرعه نکاح، پیوستن آن به شهر مشهد دست‌کم یکی دو دهه بعد اتفاق افتاده باشد. زیرا معمران این محله که سنی حدود هشتاد تا نود سال دارند، دوران برقراری قلعه مزرعه نکاح را به یاد می‌آورند و حیات آن را دست‌کم تا نیم‌قرن پیش می‌دانند. نکته دیگری که می‌تواند به ما در یافتن موقعیت دقیق مزرعه نکاح کمک کند، مسجد ابوالفضل‌ی این منطقه است که طبق مستندات و ادعای هیئت‌امنانی آن، در سال ۱۲۹۰ خورشیدی، یعنی حدود ۱۱۳ سال پیش ساخته شده است؛ هرچند که به نظر می‌رسد با توجه به قدمت طولانی مزرعه که می‌شود آن را تا دوره صفویه فرض کرد، زمان ساخت مسجد بسیار قدیمی‌تر از ۱۲۹۰ خورشیدی باشد و احتمالاً در این تاریخ آن را بازسازی کرده‌اند.

امروز مسجد ابوالفضل‌ی در خیابان نکاح ۷ (رثوف ۷) قرار دارد و طبق آنچه معمران منطقه ادعا می‌کنند، مکان آن ضمن بازسازی‌ها، اندکی جابه‌جا شده است. طبق گزارش این افراد که باید درباره آن مستندات قابل تأییدی یافت، ورودی قلعه مزرعه قدیمی نکاح که محل سکونت کشاورزان این مزرعه بود، در کنار مسجد قدیمی قرار داشته است. همچنین قلعه نکاح دارای دیواری گلی و قطور بوده که شامل دوازده برج دیدبانی می‌شده است. این الگوی معماری با توجه به هجوم غزها، مغولان، ازبکان و ترکمان‌ها در ادوار مختلف تاریخی مشهد و طی هفتصد سال گذشته، چندان دور از انتظار نیست. دیگر قلعه‌های نزدیک به نکاح، مانند قلعه «آبکوه» نیز چنین وضعیتی داشتند و حتی داخل این قلعه‌ها زیرساخت‌هایی فراهم شده بود تا مردم بتوانند برای مدتی نسبتاً طولانی در این محل دوام بیاورند.



نکاح، مشهدالرضا، شهریار